

نیکوکاران نابکار:

افسانه تجارت خارجی آزاد و تاریخچه پنهان سرمایه‌داری

معاونت پژوهش‌های اقتصادی

دفتر: مطالعات اقتصادی

شماره مسلسل: ۲۲۰۱۳۷۱۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۳/۱۹

این گزارش چکیده کتابی با همین نام است که در سال ۲۰۰۸ توسط پروفسور هاجون چنگ، تألیف و در سال ۱۳۹۲ به فارسی ترجمه شده است.

معجزه اقتصادی موزامبیک: چگونگی گریز از تنگدستی

این بخش با خبری پیشگویانه در مورد سال ۲۰۶۱ آغاز می‌شود. در این سال یک شرکت موزامبیک دستاورد علمی جدید خود در عرصه پیل‌های سوختی را اعلام می‌کند. چنگ می‌گوید همان طور که کره جنوبی ۴۰ سال پیش کشوری عقب‌مانده بود و اکنون ثروتمند شده است، موزامبیک نیز می‌تواند به توسعه دست یابد، اما معجزه کره جنوبی چگونه امکانپذیر شد؟ از دید اکثر اقتصاددانان پاسخ بسیار ساده است: موفقیت کره جنوبی ناشی از این است که از فرمان‌های بازار آزاد اطاعت کرده است و اصول پول قوی^۱ (تورم ضعیف)، دولت کوچک، فعالیت بخش خصوصی، تجارت خارجی آزاد و استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی را پذیرفته است، یعنی نگاهی که به اقتصاد نولیبرالی شهرت یافته است.

اقتصاد نولیبرالی نسخه به روز شده اقتصاد لیبرالی قرن ۱۸ آدام اسمیت و پیروان او است. اقتصاددانان لیبرال قرن‌های ۱۸ و ۱۹ بر این باور بودند که رقابت نامحدود در بازار آزاد بهترین راه برای سازماندهی اقتصاد است، زیرا که همه را مجبور می‌کند که با کارایی بیشینه رفتار کنند. از نظر آنان، دخالت دولت - چه با کنترل واردات، چه با ایجاد انحصارات - با محدود کردن ورود رقبا بالقوه، از فشار رقابت می‌کاهد، اما اقتصاددانان نولیبرال از برخی چیزها - و بیش از هر چیز، از برخی انواع انحصار (مثل پروانه‌های انحصار ساخت و بهره‌برداری یا انحصار بانک مرکزی در انتشار اسکناس) و دموکراسی سیاسی حمایت می‌کنند که اقتصاددانان لیبرال از آنها حمایت نمی‌کردند. اما به‌طور کلی آنها همان قدر شیفته بازار آزادند که لیبرال‌های قدیمی. جوهر برنامه‌های فوق ضابطه‌زدایی، خصوصی‌سازی و گشودن دروازه کشورها به روی تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی است.

به‌نظر چنگ کشورهای ثروتمند به رهبری آمریکا با طرح‌ریزی «تثلیث (سه‌گانه) نامقدس» برنامه‌های نولیبرالی را در کشورهای درحال توسعه پیاده می‌کنند. «تثلیث نامقدس» متشکل از صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی هستند که تا حد زیادی توسط کشورهای ثروتمند کنترل می‌شوند. این دولت‌ها با ارائه کمک‌های مالی به کشورهای درحال توسعه و باز کردن بازارهایشان به روی این کشورها آنها را به اعمال سیاست‌های نولیبرال تشویق می‌کنند. نقش صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هم این است که اعطای وام را مشروط به این امر کنند که کشورهای وام‌گیرنده سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی را به اجرا گذارند. نقش سازمان تجارت جهانی این است که در عرصه‌هایی به نفع تجارت خارجی آزاد مقررات تجاری وضع کند که کشورهای ثروتمند در آن عرصه‌ها قوی‌تر هستند و نه در عرصه‌هایی مثل کشاورزی و منسوجات که ضعیف‌ترند.

نهاد‌های فوق ادعا می‌کنند که موفقیت کره مدیون اعمال سیاست‌های نولیبرالی بوده است. درحالی که به نظر چنگ کره با استفاده از حمایت‌های تعرفه‌ای، یارانه‌ها و سایر اشکال حمایت‌های دولتی صنایع جدیدی را ایجاد و از آنها حمایت کرد تا زمانی که آن قدر رشد کردند که بتوانند در برابر رقابت بین‌المللی دوام آورند. دولت مالک تمام بانک‌ها بود، بنگاه‌های دولتی مستقیماً بعضی از پروژه‌های بزرگ را در اختیار گرفتند و دولت در ایجاد بنگاه‌های دولتی هیچ تردیدی از خود نشان نمی‌داد. همچنین دولت روی ارز کمیاب کنترل مطلق اعمال می‌کرد تا مطمئن شود ارزی که به دشواری به‌دست آمده در راه واردات

۱. مترجمین کتاب عبارت Sound Money را پول قوی ترجمه کرده‌اند، اما پول سالم ترجمه بهتری می‌تواند باشد.

ماشین‌آلات ضروری و نهاده‌های صنعتی مهم صرف شود. دولت کره بر سرمایه‌گذاری خارجی کنترل شدیدی اعمال می‌کرد و مطابق با برنامه توسعه درحالی که در بعضی بخش‌ها از سرمایه‌گذاری خارجی استقبال می‌کرد، در بخش‌های دیگر کاملاً از آن ممانعت می‌کرد.

به‌نظر نگارنده کتاب، معجزه اقتصادی کره حاصل آمیزه‌ای هوشمندانه از انگیزه‌های بازار و دخالت دولتی بود. برخلاف کشورهای کمونیستی، دولت کره بازار را از بین نبرد، اما به بازار آزاد باور کورکورانه هم نداشت. تمام کشورهای توسعه‌یافته امروز، از جمله بریتانیا و ایالات متحده، براساس سیاست‌هایی ثروتمند شده‌اند که با اقتصاد نولیبرالی در تضاد است. چنگ موعظه‌کنندگان بازار و تجارت آزاد برای کشورهای فقیر را افرادی می‌داند که به نفع کشورهای ثروتمند عمل می‌کنند و آنها را «سامریون نابکار» می‌نامد که مترجمین عبارت فوق را به‌صورت «نیکوکاران نابکار» آورده‌اند.

فصل اول - بازنگری در کتاب «خودرو لکسوس و درخت زیتون»؛ افسانه‌ها و واقعیت‌های جهانی‌سازی

فصل ۱ کتاب اختصاص به نقد کتاب «خودرو لکسوس و درخت زیتون» نوشته توماس فریدمن دارد. فریدمن در این کتاب سیاست‌های اصول‌گرایی نولیبرالی را برای کشورهای عقب‌مانده توصیه می‌کند.

به‌نظر چنگ وهله نخست جهانی‌سازی بیش از آنکه به‌وسیله نیروهای بازار امکانپذیر شود، عمدتاً به‌وسیله قدرت نظامی میسر شد. مورخین تاریخ جهانی‌سازی، سیاست‌های حمایت‌گرایی در کشورهای ثروتمند را به‌شدت کمرنگ نشان داده‌اند و از ریشه امپریالیستی جهانی‌سازی هیچ ذکری نکرده‌اند. به‌علاوه جهانی‌سازی نولیبرالی در همه عرصه‌ها شکست خورده است. موفقیت اقتصادی چین و هند نمونه‌هایی است که اهمیت دیدگاه‌های ملی‌گرایانه در جهانی‌سازی به‌جای پیوست غیرمشتروط و آزاد به اقتصاد جهانی را نشان می‌دهد.

چنگ در ادامه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را نهادهایی می‌داند که شدیداً از کشورهای ثروتمند دفاع می‌کنند. ایرادی که به سازمان تجارت جهانی نیز تا اندازه‌ای وارد است.

فصل دوم - زندگی دوگانه دانیل دفو؛ کشورهای ثروتمند چگونه ثروتمند شدند؟

کتاب در این فصل به نقد نظرات ریکاردو در مورد تجارت بین‌الملل می‌پردازد. به عقیده چنگ، این نظریه دیدگاهی برای کشورهای است که شرایط موجود را می‌پذیرند، نه برای کشورهایی که می‌خواهند شرایط موجود را تغییر دهند. چنگ با آوردن تاریخ کشورهای بریتانیا و آمریکا نتیجه‌گیری می‌کند که این کشورها ابتدا از طریق سیاست‌های حمایتی ثروتمند شدند و سپس تجارت آزاد را در پیش گرفتند، اما اکنون از همه می‌خواهند که از ابتدا سیاست آزاد را اعمال کنند.

فصل سوم - پسر ۶ ساله‌ام باید سر کار برود؛ آیا تجارت خارجی آزاد همیشه بهترین راه‌حل است؟

چنگ در این فصل الگوی تجارت آزاد را برای کشورهای درحال توسعه مشابه آن می‌داند که والدین یک بچه ۶ ساله او را بدون هیچ حمایتی در جامعه رها کرده و از او توقع کار کردن و کسب درآمد داشته باشند. به نظر او تجارت خارجی فقط زمانی به توسعه اقتصادی یاری می‌رساند که کشور آمیزه‌ای از حمایت‌گرایی و تجارت آزاد را به‌کار گیرد، درحالی که مطابق نیازها و توانایی‌های درحال تغییرش؛ دائماً به تعدیل ترکیب عوامل این آمیزه بپردازد.

فصل چهارم - فیل‌ها و فنلاندی‌ها؛ آیا باید سرمایه‌گذاری خارجی را ضابطه‌مند کنیم؟

این فصل با توضیح وضعیت اقتصادی فنلاند آغاز می‌شود. کشوری که خودخواسته ورود سرمایه‌های خارجی به کشورش را تا مدت‌ها محدود کرد، زیرا سال‌های طولانی تحت استثمار بیگانگان قرار داشت. چنگ در ادامه اشکالات سرمایه‌گذاری خارجی را ذکر می‌کند. این ایرادات عبارت است از:

- فرار همزمان سرمایه‌های خارجی، کلاهبرداری‌های شرکت‌های خارجی، - انتقال اندک فناوری‌های نوین و نابودی بنگاه‌های داخلی.

چنگ نتیجه‌گیری می‌کند که تاریخ گواهی بر لزوم ضابطه‌مندی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. اکثر کشورهای ثروتمند امروزی، زمانی که دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بودند به ضابطه‌مند کردن آن پرداختند. سرمایه‌گذاری خارجی باعث رشد اقتصادی نمی‌شود، بلکه سرمایه‌گذاری خارجی خود در پی رشد می‌آید. مفید بودن سرمایه خارجی به نوع سرمایه‌گذاری انجام شده و مقررات مربوطه در کشور میزبان بستگی دارد.

فصل پنجم - بهره‌کشی انسان از انسان: بنگاه خصوصی: خوب؟ بنگاه دولتی: بد؟

چنگ با آوردن مثال‌های متعدد نشان می‌دهد که نه عملکرد ضعیف بنگاه‌های دولتی گریزناپذیر است و نه بهبود عملکردشان الزاماً نیازمند خصوصی‌سازی است. به عقیده او بین بنگاه‌های دولتی هم نمونه‌های خوب و هم نمونه‌های بد وجود دارد. به عقیده او با بررسی نقادانه اهداف بنگاه دولتی، روشن کردن اولویت‌ها، بهبود نظام بازرسی و افزایش رقابت می‌توان عملکرد این بنگاه‌ها را بهبود بخشید. خصوصی‌سازی نیز هنگامی کارآیی دارد که بنگاه مناسب، با قیمت مناسب، به خریدار مناسب فروخته شود و پس از آن بنگاه خصوصی شده تحت ضوابط مناسب قرار گیرد.

فصل ششم - عرضه نرم‌افزار ویندوز ۹۸ در سال ۱۹۹۷: آیا اقتباس اندیشه نارواست؟

فصل فوق با اشاره‌ای به بازار گسترده کپی قاچاق سی‌دی‌های موسیقی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای در هنگ‌کنگ آغاز می‌شود. به عقیده چنگ اختراع چیزهای جدید همواره نیازمند رشوه دادن به آدم‌های باهوش نیست. به عقیده او همه کشورهای ثروتمند کنونی در گذشته، نشانه تجاری و کپی‌رایت دیگران را با بی‌خیالی نقض می‌کردند و اکنون از کشورهای عقب‌مانده توقع رعایت این حقوق را دارند. به عقیده او هیچ اختراعی مدیون کار یک نفر نیست تا بتواند مانع از استفاده دیگران شود. چنگ ضمن انتقاد از نظام فعلی صدور پروانه از کشورهای پیشرفته می‌خواهد تا به کشورهای عقب‌مانده در رسیدن به فناوری‌های پربازده کمک کنند.

فصل هفتم - بالاتر از خطر، آیا بیش از حد می‌شود دوراندیشی مالی داشت؟

چنگ در این فصل به انتقاد از نظریه نولیبرال‌ها در مورد تورم - نولیبرال‌ها تورم را دشمن شماره ۱ جامعه می‌دانند - می‌پردازد. به عقیده او بین اذعان به طبیعت مخرب تورم لگام گسیخته و این ادعا که هر چه تورم کمتر باشد بهتر است، یک تفاوت منطقی فاحش وجود دارد. سیاست‌هایی که برای مبارزه با تورم طراحی می‌شوند، می‌توانند با کاستن سطح اشتغال و دستمزدها به کارگران صدمه زنند.

در این فصل نشان داده می‌شود که بانک مرکزی آمریکا کاملاً مستقل نیست و باید به کنگره جوابگو باشد، اما دولت آمریکا کشورهای درحال توسعه را به ایجاد بانک‌های مرکزی مستقل با تمرکز صرف بر تورم تشویق می‌کند.

فصل هشتم - کنگو در برابر اندونزی، آیا باید به کشورهای فاسد و غیردمکراتیک پشت کرد؟

چنگ در ابتدای این فصل به مقایسه وضعیت اقتصادی کشورهای کنگو و اندونزی می‌پردازد. هر دوی این کشورها حاکمان فاسدی داشتند، اما اندونزی برخلاف کنگو به موفقیت‌های اقتصادی قابل توجهی دست یافت. مقایسه فوق محدودیت دیدگاه نیکوکاران نابکار را نشان می‌دهد. دیدگاهی که معتقد است فساد یکی از بزرگ‌ترین موانع توسعه اقتصادی می‌باشد. به عقیده چنگ، نیکوکاران نابکار دلایل شکست سیاست‌های نولیبرال را به فساد موجود در کشورهای عقب‌مانده نسبت می‌دهند. اما این دلیل اصلی نیست، زیرا سیاست‌های لیبرال به دلیل نادرست بودن خودشان و نه سایر عوامل شکست خورده‌اند.

نیکوکاران نابکار می‌گویند که بهترین راه برای حل مشکل فساد ورود بیشتر نیروهای بازار به اقتصاد است، اما به‌نظر نگارنده کتاب، اصلاحات نیکوکاران نابکار به جای کاهش فساد غالباً به میزان آن افزوده است. نیکوکاران نابکار درحالی که تمام‌مدت از دموکراسی سخن می‌رانند، اقداماتی را حمایت کرده‌اند که باعث تضعیف دموکراسی شده است. این تضعیف به واسطه ضابطه‌زدایی و بستن دست دولت‌ها رخ داده است. در نهایت به نظر چنگ کوشش نولیبرال‌ها برای توجیه ناکامی سیاست‌هایشان با چنگ‌اندازی به مسائل سیاسی، از قبیل مسئله فساد و فقدان دموکراسی قانع‌کننده نیست.

فصل نهم - ژاپنی‌های تنبل و آلمانی‌های دزد؛ آیا برخی فرهنگ‌ها از توسعه اقتصادی عاجزند؟

در ابتدای این فصل با آوردن گفته‌هایی از جهانگردان خارجی در سال‌های دور نشان داده می‌شود که از نظر کشورهای پیشرفته، ژاپنی‌ها و آلمانی‌ها در ابتدا مردمی با فرهنگ پایین بودند. چنگ سپس به توضیح ادعای نیکوکاران نابکار می‌پردازد. ادعایی که بیان می‌کند دلیل شکست سیاست‌های نولیبرال در کشورهای عقب‌مانده فرهنگ عقب‌مانده این کشورهاست. چنگ توضیح می‌دهد فرهنگی نیست که صراحتاً و بدون ابهام برای توسعه اقتصادی خوب یا بد باشد. همه چیز بستگی به این دارد که مردم با مواد خام فرهنگشان چه بکنند. عناصر مثبت یا منفی فرهنگ ممکن است در جامعه غالب باشند. دو جامعه با مواد خام فرهنگی یکسان و مشابه در دو موقعیت متفاوت زمانی یا اقلیمی می‌توانند الگوهای رفتاری کاملاً متفاوتی تولید کنند. فرهنگ تعیین‌کننده رفتار مردم نیست. افزون بر این فرهنگ‌ها متغیرند. ملت‌ها به‌علت توسعه اقتصادی سخت‌کوش و منضبط می‌شوند و نه برعکس. توضیح دادن موفقیت یا ناکامی اقتصادی یک کشور برحسب فرهنگ آن کشور، برخلاف ادعای نیکوکاران نابکار نه ممکن است و نه مفید.

سخن پایانی - سائوپولو، اکتبر سال ۲۰۳۷؛ آیا ممکن است اوضاع بهتر شود؟

در این بخش صحبت از آینده‌ای می‌شود که این بار در سال ۲۰۳۷ رخ می‌دهد. آینده‌ای که به‌علت اجرای سیاست‌های نولیبرال می‌تواند شوم باشد. چنگ ادعا می‌کند بازار آزاد کشورها را به کاری وامی‌دارد که در آن اینک مهارت یافته‌اند. یعنی کشورهای تنگدست باید به فعالیت‌های کم‌بازده کنونی‌شان ادامه دهند. اگر کشورهای فقیر می‌خواهند تنگدستی را پشت سر گذارند باید از گرایش بازار سرپیچی کنند و به کارهای دشوارتری دست بزنند که درآمد بیشتری برایشان فراهم می‌سازد. توصیه‌های بازار آزاد درست است اما فقط در کوتاه‌مدت. در کوتاه‌مدت استعداد و امکانات تولید را نمی‌توان چندان تغییر داد. اما این به آن معنا نیست که موزامبیک‌ها نباید چیزهای پیشرفته تولید کنند. درواقع اگر خواستار پیشرفتند باید این کار را بکنند. تولید صنعتی مهمترین راه شکوفایی است.

جمع‌بندی نهایی

در توضیح نظریات عقب‌ماندگی اقتصادی، مدلی به نام الگوی نادرست وجود دارد که ناکامی کشورهای فقیر را ناشی از نصاب نادرست و نامناسب مشاورین ناآگاه (و گاه بدخواه) در سازمان‌های توسعه بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌داند. کتاب «نیکوکاران نابکار: افسانه تجارت خارجی آزاد و تاریخچه پنهان سرمایه‌داری» در ردیف چنین آثاری قرار می‌گیرد.

